



چه چیزهایی از دوران کووید-۱۹ با خودمان به آینده می‌بریم؟

ارثیه‌کرونایی



صادق پیوسته
جامعه‌شناس

جامعه‌آتقدّر منعطف است که با ضربه کووید-۱۹ دگرگون نمی‌شود. چند سال دیگر، اثری از کووید-۱۹ و مضحکه مردم ماسک به صورت نیست. فس فس مواد ضد عفونی که همه‌جا را فتح کرده است، از سپهر فضای عمومی بیرون رانده خواهد شد و لشکر توصیه‌های بهداشتی گرچه به سختی چهره جامعه را اشغال کردند، اما به‌سادگی عقب‌نشینی خواهند کرد. با این حال، اینجا از این‌ها سخن نمی‌گوییم. نگاه ما به آن چیزهایی است که از کرونای چینی در متن بسیاری از جوامع باقی خواهند ماند. پدیده‌ها، عادت‌ها، باورها و هنجارهایی هستند که، خوب یا بد، از این کرونا به بعد، آشنا و ساکن جامعه خواهند بود. کووید-۱۹ سخت‌جان، ارثیه‌هایی دارد برای این و آن و شاید برای همگان.

۱. ترس از پاندمی

اولین ارثیه، جدی شدن دوباره مفهوم «بیماری‌های همه‌گیر» است. گرچه از سری کروناها هم هر سال زیاد کشته داشتیم مثلاً آنفلوآنزای خوک و مرغی هم بد کشته بودند، اما ترس چندانی از آن‌ها وجود نداشت. ناشناختگی درمان، کووید-۱۹ را رازآمیز و ترسناک کرد. این ترس، ترس از سرفه و تب و لرز و بدن درد، احتمالاً تا مدت‌ها لاقلاً با نسلی از بشر خواهد ماند.

۲. معاشرت دستخوش تغییری بنیادین؟

فاصله‌گیری مردم از یکدیگر در وضع بیماری، پیش از این هم برای بیماری‌های ویروسی آشنا بود اما پس از کرونای اخیر، بیشتر از پیش معمول خواهد شد. موارد جدیدتر، ماسک و الکل هستند. تجربه عمومی ماسک‌زدن را جز در کارخانه‌ها و شهرهای آلوده ندیده بودیم اما پس از این احتمالاً برای دوره‌های سرماخوردگی و آنفلوآنزا هم در پاره‌ای از جمعیت انسانی باقی خواهد ماند و احتمالاً از گسترده‌گی همه‌گیری‌های کم‌خطر خواهند کاست. برخی بر این باور هستند که دست‌دادن و روبوسی و بقیه آداب معاشرت هم دستخوش دگرگونی می‌شود. در این نظر می‌توان به تردید نگریست چرا که این کنش‌ها، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی ژرفی دارند و به بسیاری هنجارهای دیگر متصل هستند. چنین کنش‌هایی، فنروار پس از هر حادثه به‌جای خود بازمی‌گردند. ممکن است مثلاً در ایران ظرفیت تاکسی‌های سواری که به‌طور معمول ۵ نفر در نظر گرفته می‌شد و با کرونا ۴ نفر شد، همان ۴ نفر باقی بماند اما این که مردم در سلام و احوالپرسی دست ندهند و دور بایستند، به این سادگی‌ها باقی نخواهد ماند.

۳. افسون‌زدایی از علم و پزشکی

یکی از پیچیده‌ترین دگرگونی‌ها، در سطح باور عمومی به علم و بویژه پزشکی رخ داده است. شکستن اعتماد مطلق به پزشکی و باور به این که دردهای همه‌گیر و بی‌درمان ممکن است پدید آیند، بر خاطرات، قصه‌های عامیانه و همچنین تولید آثار ادبی و تخیل جامعه از آینده مؤثر بوده است و تأثیر آن تا حدی باقی خواهد ماند. روی دیگر این باور، اهمیت یافتن پزشکی و سیستم‌های درمان نزد مردم است. گرچه باور به معجزه‌گونگی پزشکی شکسته است اما بر اهمیت آن به‌عنوان راه آزمون و خطای علمی که زمان نیاز دارد تا مسأله را حل کند، افزوده شده است. می‌توان گفت نگاه به پزشکی واقعیت‌گراتر و افسون‌زدوده‌تر شده است. همین است که شیوه‌های درمان جایگزین و طب مکمل را هم در کنار پزشکی برجسته می‌سازد.

آفرید اما کمونیزم در برخورد با کرونا تنها راه حل شد. این اخلاق جمع‌گرایانه، نقطه ارجاعی مهم چه در زندگی روزمره و چه در سیاستگذاری حکومتی خواهد بود. بگذریم از این که در ایران از تسریع در واکسیناسیون با پرداخت پول سخن گفته شده است؛ تحفه‌ای معنادار در پس شعارهای مبارزه با سرمایه‌داری غرب!

۵. دلزدگی از باورهای ایدئولوژیک مرکبار

از سوی دیگر، در روانشناسی سیاسی بسیاری از مردم، ترس از پوپولیسم و باورهای ایدئولوژیک مرگ‌آور، یادگاری است که از این دوره می‌ماند و برای خاطرات جمعی مردم، برهه‌ای حساس و مهم خواهد شد. این که ترامپ با ناچیز جلوه دادن بیماری از کنترل آن بازماند و میلیون‌ها نفر را گرفتار کژاندیشی خود کرد و سرانجام رئیس‌جمهوری تک‌دوره‌ای شد، بزودی فراموش نمی‌شود. روی دیگر آن، بیان باورهای غیرعلمی و سهل‌انگاری از سوی مسئولان کشور ماست که فاجعه اخیر را در ایجاد تأخیر در واکسیناسیون سبب شده است. نبردهای ایدئولوژیک و کمبود نقدینگی، دست نیافتن به‌نگام به واکسن و در نتیجه مرگ هزاران نفر را پدید آورد که ممکن بود زنده بمانند. به این ترتیب در باور مردم ثبت خواهد شد که امید بستن به باورهای پوپولیستی، شعارمحور و ایدئولوژیک ممکن است سرنوشتی در حد مرگ به بار بیاورد.

۶. نظارت و کنترل شدید با ما خواهد ماند؟

یکی از پیامدهای منفی این دوره که در آینده احتمالاً سبب کشمکش‌های جدی می‌شود، عادی شدن کنترل ارتباطات و فضاها، جمعی توسط دولت‌ها به بهانه حفظ سلامت است. امروز این اقدام‌ها معمول هستند و علل توجیه‌پذیر دارند اما فردا و فرداها، برخی از این اقدام‌ها به شکل مناسبی باقی خواهند ماند و محل مناقشه خواهند شد.

۷. دیجیتالی‌شدن زندگی روزمره

آخرین نکته، دیجیتالی‌تر شدن زندگی روزمره چه از نظر شغلی و چه از نظر خانوادگی است. اگر پیش از جهانگیر شدن کووید-۱۹ تصور می‌شد افراد سالمند دیگر نیازی نیست با ابزارهای ارتباطی جدید کنار بیایند یا چندین سال و شاید دهه طول بکشد که بسیاری از کسب‌وکارها و بیش از آن‌ها، نهادهای دولتی، سیستم‌های ارتباطی، اطلاعاتی و اداری خود را دیجیتالی‌باز کنند، در سال اخیر همه با جهان دیجیتال آشنا شده‌اند و سامانه‌های دیجیتال را راه انداخته‌اند. بنابراین کرونا ما را شتابان به فضای زندگی مجازی و دیار چهره‌های دور از هم و نزدیک به هم برد. گرچه ارتباط مجازی لطف ارتباط نزدیک را ندارد اما امکان ارتباط از دور هم خود شکلی از نزدیک شدن است.



اولین ارثیه، جدی شدن دوباره مفهوم «بیماری‌های همه‌گیر» است. گرچه از سری کروناها هر سال زیاد کشته داشتیم مثلاً آنفلوآنزای خوک و مرغی هم بد کشته بودند، اما ترس چندانی از آن‌ها وجود نداشت. ناشناختگی درمان، کووید-۱۹ را رازآمیز و ترسناک کرد. این ترس، ترس از سرفه و تب و لرز و بدن درد، احتمالاً تا مدت‌ها لاقلاً با نسلی از بشر خواهد ماند

